

دستگیری شرخی که با وجود تحت تعقیب بودن به اتهام شروع به قتل و ضرب و جرح عمدی، در بازار طلا مشغول اخاذی از کسبه بود و همچنین دستگیری کابل دزد غرب تهران، مهم‌ترین اخبار پلیس در ۲۴ ساعت گذشته است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، در نخستین پرونده، مأموران پایگاه هفتم پلیس اطلاعات تهران از حضور یک شرور سابقه دار در محدوده مأموریت خود مطلع شدند. بررسی‌های بیشتر نشان داد این متهم به اتهام شروع به قتل و ضرب و جرح عمدی تحت تعقیب است و برای فرار از دستگیری، مخفی شده است. تحقیقات مأموران نشان داد این متهم، در مدت فرار، فعالیت خود را به شرخی و

ناگفته‌هایی از پرونده نیلوفر

با گذشت حدود یک هفته از انتشار گسترده خبر قتل دختر ۲۸ ساله اهل شهرستان پیرانشهر، دادستان این شهر اعلام کرد متهم هنگام تلاش برای خروج از کشور توسط پلیس شناسایی و بازداشت شده و تحقیقات درباره ابعاد این پرونده ادامه دارد. بنا بر اظهارات خانواده مقتول و همچنین منابع رسمی، متهم سابقه دار بوده و پیش از این نیز همسر خود را سال‌ها پیش به قتل رسانده بود. تحقیقات پلیس آگاهی درخصوص انگیزه وی از آدم‌ربایی و ارتکاب قتل همچنان ادامه دارد.

چند روز پیش بود که تصاویر دختر جوانی به نام نیلوفر مجاور در فضای مجازی منتشر شد. خبرهای اولیه حاکی از این بود که مردی ۴۱ ساله، او را به قتل رسانده و سپس در یکی از روستاها مخفی شده است. درحالی‌که پلیس تمام سرخ‌های احتمالی را برای دستگیری او بررسی می‌کرد، شایعات متعددی درباره ارتباط دخترجوان با قاتل در فضای مجازی شکل گرفته بود.

برای بررسی این موضوع با هیوا بابک، یکی از دایی‌های نیلوفر تماس گرفتیم. او در گفت‌وگو با جام‌جم می‌گوید: «نیلوفر و مادرش مدت کوتاهی در سردر خانه میوه در اشنویه‌ای کار می‌کردند و گویا قاتل نیز آنجا مشغول بود که با نیلوفر آشنا شد و سپس با دادن وعده و وعید او را فریب داد. درواقع به نظر می‌آید او را برای اعمال شرورانه خود نشان کرده بود. خواهرزاده‌ام دختر بسیار صاف و ساده و پاکی بود. متهم با نیلوفر ارتباط گرفت و احتمالاً آنها ۱۰ روز تلفنی با هم صحبت می‌کردند اما خانواده‌اش از این موضوع اطلاع نداشتند. او در تماس با نیلوفر گفته بود می‌خواهد همراه عمویش برای خواستگاری پیشقدم شود. خواهرم هم به نیلوفر گفته بود صبر کن با پدر و برادرت صحبت کنم. خانواده خواهرم منظر خواستگاری بودند، غافل از این‌که او نقشه شوم دیگری برای نیلوفر داشت. هنوز هم برای مامشخص نشده که متهم همدست داشته یا خیر، اما او نیلوفر را ربود و به مکانی مخفی که باز هم برای مامشخص نیست کجا بود، انتقال داد. مادر نیلوفر همه جا را دنبال او گشت. سپس قاتل با مادر او تماس گرفت و با تهدید گفت نیلوفر نزد من است. شما مرا نمی‌شناسید، من اسلحه دارم و اگر با کسی تماس بگیرید، همه‌تان را می‌کشم. اعضای خانواده نیز با توجه به تهدید او و گروگان بودن نیلوفر از مراجعه به پلیس آگاهی خودداری کردند. ما حتی نمی‌دانستیم که او اسلحه دارد یا خیر اما تهدیدش را جدی گرفتیم.»

در تمام مدتی که نیلوفر گروگان بود، قاتل بارها با

شرخر بازار طلا دستگیر شد

اخاذی از کسبه تغییر داده و از این راه درآمد کسب می‌کند. سرانجام وی را ردی یکی از محل‌های رفت‌وآمدش در بازار طلاشناسایی کردند و او در عملیاتی با موفقیت دستگیر شد. متهم به اتهام اخال در نظم عمومی، شرخی، اخاذی و شروع به قتل تحویل دادسرا شد تا به جرائم او رسیدگی شود.

پلیس تهران با تأکید بر استمرار برخورد قاطع با اراذل و اوباش و افرادی که با تهدید، اخاذی و ایجاد ناامنی آسایش شهروندان و

کسبه را هدف قرار می‌دهند، اعلام کرد تغییر محل اختفا و زندگی پنهانی مانع رصد و شناسایی این افراد از سوی پلیس نخواهد شد.

کابل دزد غرب تهران دستگیر شد

در پرونده دوم، مأموران کلانتری ۱۴۱ شهرک گلستان چندی قبل با چند فقره شکایت درباره سرقت کابل و تجهیزات برق از اماکن خصوصی و برج‌های مسکونی در غرب تهران مواجه شدند. مأموران

با بررسی دوربین‌های مدار بسته محل سرقت‌ها موفق شدند تصویر سارق را به‌دست آورند و مشخصات او را در اختیار گشت‌های انتظامی قرار دهند. تحقیقات برای شناسایی و دستگیری متهم ادامه داشت تا این‌که گشت کلانتری، او را هنگام سرقت از یک برج مسکونی در محدوده کوهک شناسایی کرد. سارق قصد فرار داشت اما مأموران پیش از آن‌که بتواند محل را ترک کند، او را دستگیر کردند.

در بازرسی از متهم نیز ۵۰ متر کابل برق فشار قوی کشف شد. متهم پس از انتقال به کلانتری در جریان تحقیقات به ۱۵ فقره سرقت کابل و تجهیزات برق از اماکن خصوصی و برج‌های منطقه کوهک اعتراف کرد. تحقیقات برای شناسایی سایر جرائم احتمالی او ادامه دارد.



تمام‌شان تخلیه شده بود. درحالی‌که اعضای بدن نیلوفر به بیماران نیازمند اهدا شد، پلیس سردشت، پیرانشهر، اشنویه و بانه در هماهنگی با یکدیگر، قاتل را درحالی‌که با خانواده خود تماس گرفته، تقاضای پول کرده و قصد خروج از مرزهای کشور را داشت، دستگیر کردند. در مورد جریان کولبری هیچ اطلاع دقیقی ندارم و نه آن تأیید می‌کنم و نه تکذیب. درباره همدستانش نیز اطلاعی ندارم. تقاضای ما از دستگاه قضای این است که یا متهم به قتل را در اختیار مقرر دهند یا اشد مجازات را درباره او اجرا کنند. من در دادگستری بودم و قرار است قاتل را به زندان نرده منتقل کنند.»

رسیدگی خارج از نوبت

رئیس کل دادگستری آذربایجان غربی درباره این پرونده گفت: متهم به قتل نیلوفر مجاور حین خروج از کشور دستگیر شد. در پی وقوع جنایت علیه نیلوفر مجاور بانوی اهل اشنویه، موضوع در دستور کار دستگاه قضایی استان قرار گرفت و دستورات لازم به دادستان‌های اشنویه و پیرانشهر برای تعقیب موضوع صادر شد.

علی‌نژاد ادا مه‌داد: «با ورود قاطع دادستان‌ها و همکاری‌های مؤثر پلیس آگاهی، انجام کارهای دقیق اطلاعاتی و فنی پلیسی و قضایی و همکاری دادستان شهرستان بانه، متهم متواری حین خروج از مرز دستگیر شد. **علی‌نژاد افزود:** متهم تحت قرار بازپرس رسیدگی‌کننده بازداشت شده و رسیدگی با سرعت، دقت و قاطعیت در جریان است و عوامل جنایت علیه خانم نیلوفر مجاور وفق قانون مجازات خواهند شد. **رئیس کل دادگستری آذربایجان غربی ضمن تقدیر از اصحاب رسانه از آنها خواست جهت رعایت حرمت خانواده اولیای دم در انتشار تصاویر و اخبار موازین قانونی را مد نظر قرار دهند.**

دادستان عمومی و انقلاب اشنویه نیز با تأکید بر آن‌که دستگاه قضایی در رسیدگی به این پرونده اعماض نمی‌کند، گفت: رسیدگی به پرونده خارج از نوبت انجام می‌شود و در صورت اثبات جرم، برخورد قضایی متناسب با صورت می‌گیرد.

مرگ تلخ در برخورد با قطار مترو

در محوطه انتهایی ایستگاه قرار داشت، با رسیدن قطار به ایستگاه ناگهان بندکیف این زن به لبه آینه

گیر کرد و او تعادلش را از دست داد و به سمت قطار

پرت شد.

رضا اعلائی، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: قرار شد که خانواده متوفی شناسایی و اظهارات آنها اخذ شود و از شاهدان ماجرا دوباره تحقیقات لازم انجام گیرد؛ همچنین فیلم دوربین‌های مدار بسته مترو که حادثه را ثبت کرده بودند بازبینی شده و از لوکوموتیوران نیز تحقیقات لازم انجام گیرد.

پس از اتمام کارهای دقیق اطلاعاتی و فنی پلیسی و قضایی و همکاری دادستان شهرستان بانه، متهم متواری حین خروج از مرز دستگیر شد.

علی‌نژاد افزود: متهم تحت قرار بازپرس رسیدگی‌کننده بازداشت شده و رسیدگی با سرعت، دقت و قاطعیت در جریان است و عوامل جنایت علیه خانم نیلوفر مجاور وفق قانون مجازات خواهند شد.

رئیس کل دادگستری آذربایجان غربی ضمن تقدیر از اصحاب رسانه از آنها خواست جهت رعایت حرمت خانواده اولیای دم در انتشار تصاویر و اخبار موازین قانونی را مد نظر قرار دهند.

دادستان عمومی و انقلاب اشنویه نیز با تأکید بر آن‌که دستگاه قضایی در رسیدگی به این پرونده اعماض نمی‌کند، گفت: رسیدگی به پرونده خارج از نوبت انجام می‌شود و در صورت اثبات جرم، برخورد قضایی متناسب با صورت می‌گیرد.

سرقت از پزشک پس از رهایی از قصاص

دوست شدم. او یک روز مرا را ربود، به خانه‌ای برد و از من فیلم و عکس سیاه تهیه کرد. سپس با تهدید به انتشار آن مجبور شدم شاکو را سر قرار بکشانم و آن بلا را سرش بیاورند. به اجبار او وارد این ماجرا شدم. همدستانش تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند تا این‌که رد درونفرشان شامگاه یکشنبه در محله سرآسیاب غرب استان تهران به‌دست‌آمد و هردو بازداشت شدند. فرشید، یکی از متهمان در تشریح ماجرا گفت: سال ۹۲ در یکی از شهرهای غرب استان تهران با مردی اختلاف شخصی داشتم که سر قرار آمد و با شلیک گلوله او را کشتم. بعد از چند هفته فرار دستگیر شدم و به زندان افتادم. هشت سال زیر حکم قصاص بودم. سرانجام وجه‌المصالحه پرداختم، رضایت گرفتم و آزاد شدم. شهاب، یکی از دوستانم، اوایل بهار امسال سراغم آمد. مدعی شد خاله‌اش برای مردی پولدار کار می‌کرده‌که بیمار شده و دختر خاله‌اش به جای او کار و نظافت خانه آن مرد را انجام می‌داد است. مرد پولدار از او

زن ۲۸ ساله وقتی به‌سمت آینه مستقر در سالن

متروی ایستگاه حبیب‌الله رفته بود، به خاطر گیرکردن بندکیفش به آینه قطار جان باخت.

به‌گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۹:۳۰ دوشنبه شانزدهم شهریور پس از ورود قطار به ایستگاه متروی شهید حبیب‌اله صدای فریاد‌های کمک‌خواهی از قسمت مخصوص بانوان بلند شد. لوکوموتیوران به‌سختی توانست توقف کند. خامی ۲۸ ساله که در محوطه بخش بانوان بوده

به شمال از او جدا شده و خبری از وی نندارد. پرونده با وجود ادامه تحقیقات، برای ماه‌ها به نتیجه نرسید و پس از گذشت شش ماه و یادستور بازپرس شعبه اول دادسرای قانمشهر، پرونده در اختیار تیم مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی استان مازندران قرار گرفت.

تیمی از ماموران زیر نظر سرهنگ کارآگاه مجتبی شعبانی، رئیس اداره مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی مازندران تحقیقات را از متهمان آغاز کرد. سرانجام محمد پس از حدود یک هفته سکوت، روایت تازه‌ای از سرنوشت ابراهیم مطرح کرد و مدعی شد او را به ویلایی در بابل منتقل کرده‌اند و پس بد هکار در آنجا جان باخته. به گفته متهم، مرد از مرگ ابراهیم، جسد او را به شهری خارج از استان مازندران منتقل و دفن کرده‌اند.

سرهنگ کارآگاه سامع خورشاد، رئیس پلیس آگاهی استان مازندران با اعلام این خبر گفت: با اعتراف و راهنمایی متهم، بقایای جسد کشف شد و به پزشکی قانونی انتقال یافت. پس از اعتراف محمد، همدستش دستگیر شد و متهمان در بازداشت به‌سر می‌برند و تحقیقات برای روشن شدن ابعاد مختلف این پرونده ادامه دارد.

راز رفیق‌کشی

۶ ماه زیر خاک بود

کارش از خانه خارج شده بود، متوجه صدای زنگ

هشدار تلفن همراهی شد که در محل قرار داشت. او پس از پیدا کردن گوشی، با یکی از شماره‌های موجود در آن تماس گرفت و مشخص شد تلفن همراه متعلق به ابراهیم است. با کشف گوشی پرونده رنگ و بوی جنایی به خود گرفت و احتمال قتل ابراهیم قوت یافت. سرانجام محمد حدود دو ماه پس از ناپدیدشدن ابراهیم دستگیر شد. متهم در تحقیقات، نکار کرد و مدعی شد پس از رسیدن به شمال از او جدا شده و خبری از وی نندارد. پرونده با وجود ادامه تحقیقات، برای ماه‌ها به نتیجه نرسید و پس از گذشت شش ماه و یادستور بازپرس شعبه اول دادسرای قانمشهر، پرونده در اختیار تیم مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی استان مازندران قرار گرفت.

تیمی از ماموران زیر نظر سرهنگ کارآگاه مجتبی شعبانی، رئیس اداره مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی مازندران تحقیقات را از متهمان آغاز کرد. سرانجام محمد پس از حدود یک هفته سکوت، روایت تازه‌ای از سرنوشت ابراهیم مطرح کرد و مدعی شد او را به ویلایی در بابل منتقل کرده‌اند و پس بد هکار در آنجا جان باخته. به گفته متهم، مرد از مرگ ابراهیم، جسد او را به شهری خارج از استان مازندران منتقل و دفن کرده‌اند.

سرهنگ کارآگاه سامع خورشاد، رئیس پلیس آگاهی استان مازندران با اعلام این خبر گفت: با اعتراف و راهنمایی متهم، بقایای جسد کشف شد و به پزشکی قانونی انتقال یافت. پس از اعتراف محمد، همدستش دستگیر شد و متهمان در بازداشت به‌سر می‌برند و تحقیقات برای روشن شدن ابعاد مختلف این پرونده ادامه دارد.



را ناپدید شدن مردی پس از سفر به شمال بعد از شش ماه با اعتراف دوستش و کشف بقایای جسدش فاش شد. جسد برای تشخیص علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به پرونده ناپدید شدن مردی تهرانی از ۲۸ بهمن سال گذشته و با شکایت همسرش در پلیس آگاهی قانمشهر آغاز شد؛ شکایتی که پس از گذشت شش ماه با اعتراف یکی از متهمان و کشف بقایای جسد مرد گمشده وارد مرحله تازه‌ای شد. همسر این مرد در توضیح ماجرا به ماموران گفت آنها ساکن تهران هستند و شوهرش (ابراهیم) با مردی به نام محمد اختلاف مالی داشته است. به گفته این زن، ابراهیم یک روز پیش از ناپدیدشدن با یکی از دوستانش (محمد) قرار گذاشته بود تا برای حل اختلاف‌شان راهی شمال شوند. این زن گفت: من با رفتن او مخالف بودم اما شوهرم اصرار داشت برای حل مشکلش به شمال برود. از حدود ساعت ۱۱ شب ارتباطش با من قطع شد و دیگر خبری از او نداشتم. به‌شمال آمدم و شکایت کردم. بابت شکایت، تحقیقات برای یافتن مرد گمشده آغاز شد. چهار روز بعد زنِی که برای رفتن به محل

جام‌جم

حوادث

INCIDENT

سه‌شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۴۱۱

🕒 کوتاه‌هاژواحدث

نجات ۷ پاکستانی از اسارتگاه وحشت

دو ایرانی و شش مرد افغان که اعضای باند آدم‌ربایی اتباع افغان و پاکستان بودند، در هشتگرد کرج بازداشت شدند. اعضای این باند گروگان‌ها را به‌شدت شکنجه کرده و با ارسال فیلم این صحنه‌ها از خانواده‌های‌شان اخاذی می‌کردند. هفت گروگان پاکستانی در عملیات پلیسی در خانه‌باغ وحشت نجات یافتند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، روزهای پایانی هفته گذشته مردی تبعه پاکستان با حضور در شعبه نهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران شکایت کرد که یکی از اقوامش به ایران آمده و ربوده شده است. پرونده با دستور قضایی به پلیس امنیت تهران ارسال شد و شاکو در تشریح ماجرا گفت: پسر یکی از اقوامم برای کار و به‌صورت غیرقانونی از پاکستان به تهران آمد. او توسط افرادی ربوده شد و آدم‌ربایان برای آزادی‌اش ۲۰ میلیون روبیه خواسته بودند. آدم‌ربا و همدستانش فیلم‌هایی از شکنجه گروگان با سیگار و سیخ داغ ارسال کردند. خانواده‌اش پول را پرداخت کردند اما آدم‌ربایان او را آزاد نکردند.

در ادامه خانواده چند تبعه پاکستانی دیگر نیز به اداره پلیس آمدند و شکایت‌های مشابهی را مطرح کردند. بررسی‌ها نشان داد پول‌های اخاذی شده از خانواده‌ها به حساب مردی در افغانستان واریز شده است. سرانجام مخفیگاه این باند مخوف در خانه‌باغ اجاره‌ای در شهرستان هشتگرد در استان البرز شناسایی شد. ماموران با هماهنگی قضایی، شامگاه یازدهم شهریور امسال به آنجا اعزام شدند، محل را محاصره و وارد آنجا شدند. دو مرد ایرانی و شش تبعه افغانستان را بازداشت کردند. در بازرسی از اتاق‌های خانه‌باغ، هفت تبعه پاکستانی را با دست‌ها و پاهای بسته در حالی‌که شکنجه شده بودند، نجات دادند.

متهمان بازجویی شدند و شهر، مهره کلیدی باند در اظهاراتش گفت: با شناسایی مهاجران غیرقانونی، به آنها نزدیک می‌شدم و به بهانه این‌که می‌خواهیم آنها را سر کارهای ساختمانی یا کارگاه ببریم، به مخفیگاه‌مان آورده و با فیلم گرفتن از شکنجه‌شان از خانواده‌شان اخاذی می‌کردیم. این پول به حساب سرکرده‌مان در افغانستان واریز می‌شد و او کمی از آن پول را به حساب اعضای باند واریز می‌کرد.

گروگان‌های نجات‌یافته نیز مدعی بودند که به‌شدت کتک خوردند، شکنجه شدند و با سیخ داغ و سیگار بدن‌های‌شان به‌شدت از سوی متهمان دچار سوختگی شده و حتی مورد جراحات هم قرار گرفتند و اگر پلیس سر نمی‌رسید شاید زنده نبودند.

عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: متهمان در بازداشت به‌سر می‌برند و تحقیقات از آنها ادامه دارد. هفت گروگان نجات‌یافته هم قرار شد به نزد خانواده‌های‌شان در پاکستان منتقل شوند.

تصادف زنجیره‌ای با ۵ کشته

تصادف زنجیره‌ای دو دستگاه تریلی و یک خودروی سواری در کرمان منجر به فوت پنج نفر و مصدومیت یک نفر شد.

رضا فلاح، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان کرمان به مهر گفت: گزارشی مبنی بر تصادف زنجیره‌ای دو دستگاه تریلی و یک خودروی سواری در کرمان به هلال احمر استان اعلام شد. تیم امداد و نجات واکنش سریع به محل حادثه اعزام و پس از رسیدن و ارزیابی مشخص شد این تصادف یک مصدوم و پنج فوتی داشته. نیروهای هلال احمر فوتی‌ها را راه‌سازی و به عوامل مربوطه تحویل دادند و فرد مصدوم نیز به بیمارستان منتقل شد.

قتل به خاطر رانندگی

مرد ۴۵ساله که بر سر رانندگی مربی آموزشگاه با او درگیر و باعث مرگش شده بود، بازداشت شد. سرهنگ پیمان، گودرزی فرمانده انتظامی کرج به سایت پلیس گفت: ماموران کلانتری ۲۵ محمدشهر پس از دریافت گزارش حادثه در محل حاضر شدند و با بررسی صحنه قتل، راننده ۲۶ه را شناسایی و در کمتر از ۲۴ ساعت دستگیر کردند. در تحقیقات معلوم شد متهم به‌دلیل عصبانیت از نحوه حرکت خودروی آموزش رانندگی، با متوقف کردن و ایراد درگیری و هل دادن راننده ۶۴ساله در حال آموزش، او را به جدول کنار خیابان کوبید که بر اثر شدت ضربه به‌سر، او ساعتی بعد فوت کرد.